

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

گروه علوم تربیتی

رساله‌ی دکتری فلسفه‌ی تعلیم و تربیت (PHD)

**عنوان پژوهش:**

بررسی تحلیلی هرمنوتیک فلسفی هانس گئورگ گادامر و دلالت‌های تربیتی آن

**پژوهشگر:**

ذبیح‌الله خنجرخانی

**اساتید راهنما:**

دکتر مسعود صفایی مقدم و دکتر محمد جعفر پاک سرشت

**اساتید مشاور:**

دکتر منصور مرعشی، دکتر قاسم بستانی، دکتر خسرو باقری

شهریور ۱۳۹۳

تقدیم به:

همسر و دختر عزیزم

## تقدیر و تشکر

در ابتدا از اساتید بزرگوار و ارجمندم جناب آقای دکتر مسعود صفایی مقدم و جناب آقای دکتر محمد جعفر پاک-

سرشت تشکر می‌نمایم. این دو برای بنده معلم اخلاق، اسوه‌ی صبر و سبیل ایمان و تعهد بودند.

از آقای دکتر منصور مرعشی نهایت تشکر را دارم که با آرامش خاص خود همیشه قوت قلب بنده بودند. اصطلاح

برادر بزرگ‌تر، شایسته اوست.

همچنین از آقایان دکتر قاسم بستانی و دکتر خسرو باقری صمیمانه قدردانی می‌کنم که افتخار شاگردی این دو در

این رساله نصیب شد.

به خاطر تلاش‌های پدر و مادر و خانواده پدر زن عزیزم، برادرانم، و سایر دوستانی که همواره مشوق و پشتیبان من

بوده‌اند دستشان را می‌بوسم.

در نهایت لازم است از دکتر ذکراه مروتی، دکتر سید جلال هاشمی، دکتر پروانه ولوی، دکتر پارسا، دکتر

مهرعلیزاده، دکتر شاهی و مجموعه گروه علوم تربیتی، دوستان، همکلاسی‌ها و هم رشته‌های گرامی‌ام که مرا در

نوشتن این رساله یاری کردند کمال تشکر را داشته باشم.

## فهرست مطالب

### عنوان

### صفحه

## فصل اول: کلیات تحقیق

مقدمه.....	۱
۱-۱- بیان مسئله .....	۷
۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق .....	۹
۱-۳- هدف های تحقیق .....	۱۱
۱-۳-۱) هدف کلی .....	۱۱
۱-۳-۲) اهداف جزئی .....	۱۱
۱-۴- سؤالات تحقیق .....	۱۲
۱-۵- تعریف واژه ها و اصطلاحات .....	۱۴

## فصل دوم ادبیات تحقیق

مقدمه.....	۱۷
۱-۲) تعریف و مفهوم هرمنوتیک .....	۱۸
۲-۲) سیر تحول و تطور هرمنوتیک .....	۲۳
چرخش به طرف هرمنوتیک فلسفی .....	۲۷
کانت .....	۲۷
هایدگر .....	۳۱

۳۵.....	۱-۲-۲) پیشینه هرمنوتیک و تعلیم و تربیت
۳۵.....	هرمنوتیک سنتی و تعلیم و تربیت
۳۷.....	هرمنوتیک و تعلیم و تربیت نوین
۴۰.....	هرمنوتیک و تعلیم و تربیت در ایران
۴۲.....	خلاصه فصل

## فصل سوم: فهم آدمی، شرایط و لوازم آن

کلی	نگاه
46.....	
روش‌مهندسازی	(۱) مشکل
52.....	فهم
فهم	(۲) مفاهیم کلیدی اومانیزم: راهگشا در مسیر فهم
55.....	
فرهنگ	(۱-۲) بیلدونگ یا فرهنگ
55.....	(bildung)
60.....	(۲-۲) حس مشترک
62.....	(۳-۲) قضاوت
	(۴-۲)
63.....	ذوق
65.....	(۳) عناصر و لوازم فهم از منظر گادامر

- 65..... (۱-۳) زیبایی‌شناسی کانت و تحلیل گادامر از آن در راستای فهم
- 66..... (۲-۳) زیبایی‌شناسی نبوع و مفهوم ارلینس (تجربه).....
- 67..... (۳-۳) زیبایی فهم و حقیقت از هنر .....
- 71..... (۴-۳) بازی، جایگاه و مفهوم آن در هرمنوتیک گادامر.....
- 73..... (۵-۳) بسط کل در برخورد با جزء (تأثیر و تاثر جزء و کل).....
- 74..... (۶-۳) فهم، زمان و عنصر زیبایی .....
- 74..... (۷-۳) فهم مانند تراژدی.....
- 75..... (۸-۳) زیبایی و ظرفیت هستی‌شناسی تصویر.....
- 76..... (۹-۳) انقلاب تاریخی فهم در هرمنوتیک.....
- 76..... (۱-۹-۳) دور هرمنوتیک در فهم و مساله پیش داشت.....
- 77..... (۲-۹-۳) تاریخ‌مندی انسان، تاریخ‌مندی فهم.....
- 79..... (۱۰-۳) پیش‌داوری .....
- 80..... (۱۱-۳) تاثیر و قدرت سنت در فرایند فهم .....
- 81..... (۴) هرمنوتیک و کاربرد : مشکل اساسی هرمنوتیک.....
- 83..... (۵) زبان و فهم .....
- 86..... خلاصه فصل .....

## فصل چهارم: استلزامات تربیتی

۹۲.....(۱-۴) مقدمه

۹۳.....(۲-۴) تبیین هرمنوتیک فلسفی

۹۳.....(۳-۴) مفهوم تعلیم و تربیت و عناصر سازنده آن بر اساس دیدگاه هرمنوتیک فلسفی گادامر

.....(۴-۴) پیام ضمنی اندیشه گادامر در امر تربیت

94

.....(۵-۴) هدف تعلیم و تربیت و عناصر سازنده آن بر اساس دیدگاه هرمنوتیک فلسفی

.....گادامر ۱۰۹

.....(۶-۴) مفهوم و نقش معلم و شاگرد در هرمنوتیک فلسفی گادامر ۱۱۴

.....(۷-۴) مفهوم تدریس و عناصر سازنده آن بر اساس دیدگاه هرمنوتیک فلسفی

.....گادامر ۱۱۸

.....(۸-۴) امکان‌سنجی استنتاج محتوای برنامه درسی در هرمنوتیک فلسفی ۱۳۵

.....(۹-۴) ارزشیابی: ارزیابی میزان توفیق تعلیم و تربیت (در قول و فعل دست‌اندرکاران از تصمیم‌سازان تا

.....شاگردان)

۱۳۸

.....(۱۰-۴) امکان‌سنجی استفاده از هرمنوتیک فلسفی در تعلیم و تربیت ایران

.....۱۵۲

.....خلاصه فصل ۱۵۶



فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری..... ۱۵۸

منابع..... ۱۷۸

### فهرست جداول و نمودارها

نمودار شماره (۱-۱) وام‌گیری و تاثیرپذیری تربیت، از حوزه‌های مختلف معرفت..... ۲

نمودار شماره (۴-۱) تفاوت تربیت جهان امروز با تربیت ایده‌آل..... ۹۷

نمودار شماره (۴-۲) هرمنوتیک فلسفی و نحوه تحقق رخداد فهم (مثلاً فهم تعلیم و تربیت و تمامی امور مربوط

بدان) در فراشد دیالکتیکی..... ۹۸

نمودار شماره (۴-۳) نمایش معنی و مفهوم حضور غیاب در دو رویکرد تربیت رایج و تربیت

هرمنوتیکی..... ۱۲۴

نمودار شماره (۴-۴) انواع سؤال در هرمنوتیک فلسفی

گادامر..... ۱۳۷

نمودار شماره (۵-۱) تعامل متقابل مربی و مربی در مقاطع تحصیلی

۱۶۴.....

نام: ذبیح الله	نام خانوادگی: خنجرخانی
عنوان رساله: بررسی تحلیلی هرمنوتیک فلسفی هانس گئورگ گادامر و دلالت‌های تربیتی آن	
اساتید راهنما: دکتر مسعود صفایی مقدم، دکتر محمد جعفر پاک سرشت	
درجه: دکتری	رشته: علوم تربیتی
گرایش: فلسفه آموزش و پرورش	
محل تحصیل (دانشگاه): شهید چمران اهواز	
دانشکده: علوم تربیتی و روان‌شناسی	
تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۹۳/۶/۳۱ تعداد صفحات: ۱۸۶	
واژگان کلیدی: هرمنوتیک فلسفی، گادامر، فهم، بیلدونگ، تربیت، تعامل، حضور.	
<p style="text-align: center;"><b>چکیده</b></p> <p>این تحقیق با هدف کلی بررسی دیدگاه هرمنوتیک فلسفی هانس گئورگ گادامر و استلزامات تربیتی آن شکل گرفته است. محوریت تحقیق با تاکید بر فهم از منظر هرمنوتیک فلسفی و دلالت آن برای تعلیم و تربیت است. در این رساله، ابتدا نگاهی اجمالی به تاریخ هرمنوتیک و نظریه-پردازان آن شده است و در گام بعدی هرمنوتیک فلسفی گادامر مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه روش تعلیم و تربیت، هدف، برنامه درسی، محتوای آموزش و ارزشیابی آموزشی مورد بررسی قرار گرفته است. و در نهایت امکان‌سنجی کاربست این نظریه در جامعه خود، نشان داده شده است. موضوع هرمنوتیک فلسفی، فهم و عناصر سازنده آن است. فهمی که درک "حقیقت" و "تعالی انسان" در گرو آن است. در این میان گادامر با استناد به مفاهیم همچون بیلدونگ، ذوق، حس مشترک و قضاوت، به تشریح ماهیت انسان و تعالی وی پرداخته است. با تصور ماهیت انسان و کمال وی، فهم را شاهره این عروج می‌داند. اما این فهم، فهمی متفاوت و نیازمند عناصر و پیش‌بایست‌هایی است. که شامل توجه به غیر روشمند بودن فهم، نقش سنت در فهم، تاریخمندی فهم، بازی مندی فهم، امتزاج افق‌ها، تعامل و پرسشگری و... می‌باشد. با بررسی موارد فوق محقق بدین نتیجه رسید که تربیت (تعالی انسان) بر اساس مذاکره و تعاملات پرسشگرانه است. تربیت فرایندی است که "در" جریان تعاملات تأملی (مدام) شکل (نوی) می‌گیرد و خود نیز "زمینه‌ساز" تعامل تأملی می‌شود. همچنان که خود گادامر با تشریح "بیلدونگ" اشاره دارد بیلدونگ رسیدن به کمال فرهیختگی از طریق فرهنگ و سنت بوده و یک فرایند همیشه در حال بالندگی است؛ با این اوصاف در مسیر عروج انسان، نظام تربیتی سعی در آموزش فراگیری دارد که آماده مواجهه با موقعیت تازه، اندیشه‌های مخالف و سؤال‌های چالش‌برانگیز است؛ در این فرایند فراگیران آماده بهبود اندیشه خود بوده و هرگز به کمال مطلق نمی‌رسد. تربیت مبتنی بر پرسشگری بدون ظرفیت خویشتن‌داری، تواضع و پذیرفتن "غیر"، ممکن نخواهد بود. ویژگی‌هایی که به فرد اجازه تغییر یافتن و تغییر دادن می‌دهد؛ این تربیت، تربیتی مهار‌گریز است مهاری که گاه از سوی انسان و جوامع، و گاه از سوی تکنولوژی است. جلوه‌های این نوع تربیت، از اهداف، محتوا، روش تدریس، ارزشیابی و سایر فعالیت تربیتی روایتی نو ارائه می‌دهد؛ که در متن رساله بدان‌ها پراخته شده است. علاوه بر موارد فوق، "تعلیم و تربیت حضورمند" هم به عنوان روایتی ارزشمند از تربیت است. در انتها با</p>	

توجه به اینکه گادامر تاریخ و سنت افراد را سنگ بنای فهم می‌پندارد می‌توان با روایتی تازه از این مساله سنت و فرهنگ خودی را سنگ اول  
تعلیم و تربیت قرار داد تا استفاده از هرمنوتیک در تربیت، منافاتی برای کاربرست فرهنگ بومی نداشته باشد.



فصل اول:

کلیات

## فصل اول

### کلیات

#### مقدمه

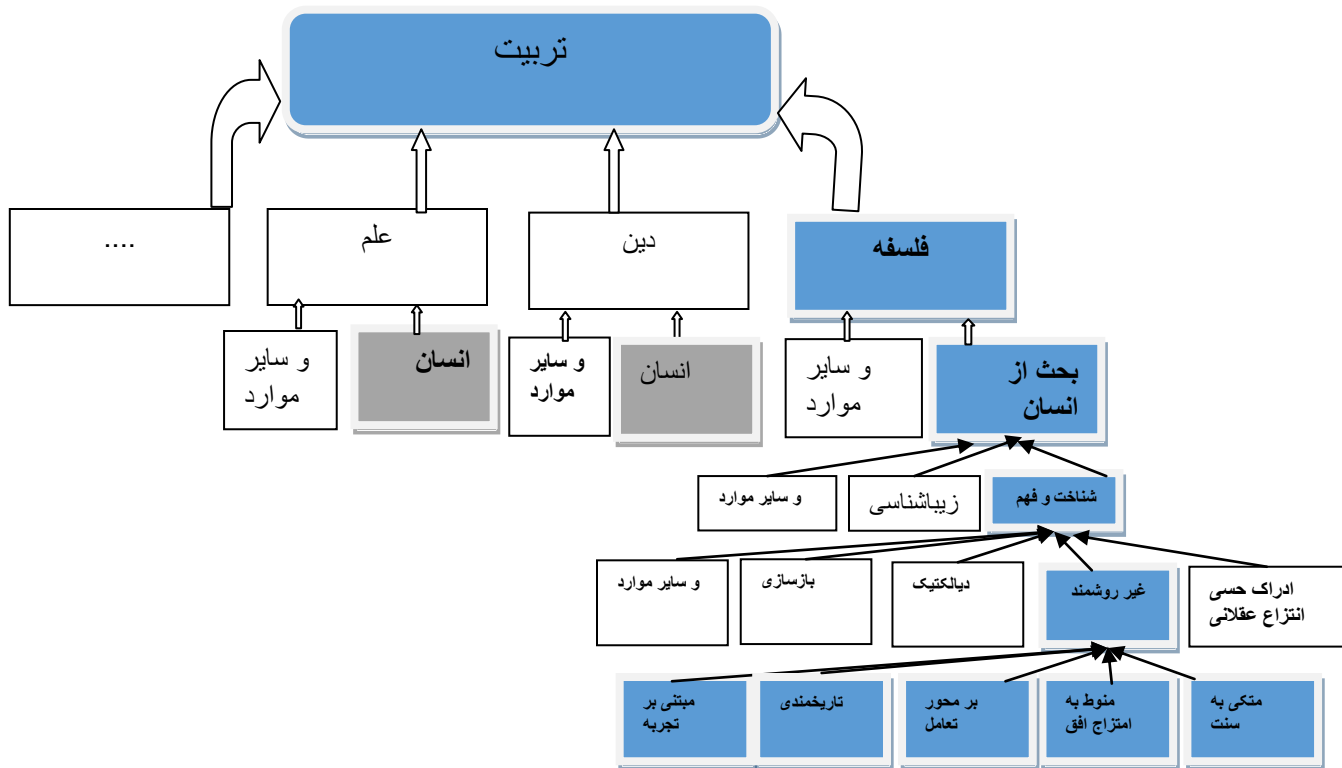
فلسفه‌ی تعلیم و تربیت هر جامعه هر اندازه قوی باشد، بازهم می‌تواند (و باید) در مسیر تعالی گام بردارد. در واقع نمی‌توان برنامه‌ای تصور کرد که عاری از هرگونه خطا باشد. زیرا که استلزامات تربیتی توسط افراد اعتبار شده‌اند و این دلالت‌ها جای آن دارند که پیوسته بهبود یابند. فیلسوفان تربیتی هم سعی می‌کنند با توجه به منابع در دسترس، قدمی در این راه بردارند. از آنجایی که تعلیم و تربیت به نوعی فرزند زمان خویش است، می‌تواند از آراء و افکار جدید حوزه‌های معرفت بشری الهام بگیرد. یکی از این حوزه‌های معرفت بشری فلسفه می‌باشد، حوزه‌ای که انسان و ویژگی‌های او از بحث‌های محوری آن می‌باشد؛ از سویی فهمیدن یکی از وجوه هستی انسان است؛ یکی از رویکردهایی که فهم را محور بحث خود قرار داده است هرمنوتیک و به خصوص هرمنوتیک فلسفی است. هرمنوتیک فلسفی مدعی فهم متفاوت و منطبق با ماهیت انسانی است. در واقع محور اصلی دیدگاه‌های فلسفی نو، یا مسایل بنیادین بشر است که از ابتدا مد نظر فیلسوفان بوده، یا مباحثی است حاصل رویش افکار جدید که بر اثر تحولات جهان امروز پدید آمده است. با قبول این فرض‌ها - در کنار الهام از مکاتب فلسفی محض برای اعتلاء کیفیت تربیت - باید به سراغ دیدگاه‌هایی رفت که متضمن راه‌حلی‌هایی راهگشا برای مسائل نو ظهور در جهان امروز می‌باشند؛ یکی از این دیدگاه‌های آراء هانس گئورگ گادامر<sup>۱</sup> (۲۰۰۲-۱۹۰۰) است. وام‌گیری و تاثیرپذیری تربیت، از حوزه‌های مختلف، در نمودار (۱-۱) آمده است؛ در این نمودار اگر تربیت، درختی تصور شود، حوزه‌های مختلف معرفت و موضوعات مورد بحث آن‌ها، مانند

1 . Hans Georg Gadamer

ریشه‌هایی هستند که درخت تنومند تربیت از آن‌ها بهره‌مند می‌شود. در این نمودار پیکان‌ها از پایین به بالا (از قاعده به طرف رأس هرم) امتداد دارند و نشانگر تقویت از سوی حوزه‌هاست نه اینکه حوزه‌ها زیرمجموعه تربیت باشند؛ و خانه‌هایی که سایر موارد در آن مندرج هستند، می‌تواند ده‌ها و صدها موردی دیگر باشد که به نحوی با تربیت در ارتباط بوده و این مبحث گسترده‌گی و پیچیدگی تربیت را می‌رساند؛ یکی از این ریشه‌ها می‌تواند هرمنوتیک فلسفی باشد که در نمودار با مسیر آبی رنگ مشخص شده است. در این نمودار به هر میزان قاعده‌ی هرم، وسیع‌تر باشد، استحکام تربیت بیشتر خواهد بود. البته جنس این هرم هم خیلی مهم بوده و هر حوزه‌ای نمی‌تواند به عنوان ستون (یا ریشه) برای تربیت تلقی شود.

نمودار شماره (۱-۱) وام‌گیری و تاثیرپذیری تربیت، از حوزه‌های مختلف

معرفت



در هرمنوتیک فلسفی هم، هر چند محور بحث گادامر تعلیم و تربیت نیست، اما از عناصری بحث می‌کند که می‌تواند استلزامات مهمی برای تعلیم و تربیت داشته باشد (هونگ، ۲۰۰۰) و موجب غنای تربیت شود. محور اندیشه گادامر "فهم"<sup>۱</sup> و عناصر سازنده آن (مثل سنت، تعامل، امتزاج افکار و...) است که از ابتدا یا حداقل از زمان سقراط مدنظر فیلسوفان بوده است. ولی ایشان مدعی روایتی نو از فهم می‌باشد؛ گادامر برای فهم مجموعه عناصری را ضروری می‌داند که رعایت آن‌ها باعث تأملی‌تر شدن فهم است، مثلاً، دستیابی به حقیقت<sup>۲</sup> از طریق روش (method) اثبات‌گرایانه را با ذات علوم انسانی متناسب ندانسته و "روش" را محصول مدرنیته می‌داند و عقیده دارد که روش مدنظر علوم اثبات‌گرانه به مهار ختم می‌شود؛ ایشان قصد دارد از روش به "بینش" پل بزند، و بینش که فلسفی و تأملی است، به "روش" که تبیینی و دقیق است ترجیح می‌دهد. در واقع برخلاف رویکردهای پیشین، گادامر با پیروی از هایدگر، فهم را نه یک شیوه شناخت، بلکه یک شیوه وجود و زیستن می‌داند.

همچنین، در این دیدگاه فهم محصول امتزاج افق<sup>۳</sup> هاست؛ این افق‌ها وابسته به سنتی هستند که معانی در آن شکل گرفته‌اند. یعنی معنا نمی‌تواند در همه‌جا و همیشه یکی باشد مگر اینکه همه جامعه جهانی افق‌ها را ممزوج کنند تا برون‌داد

---

## 1 . understanding

<sup>۱</sup> . گادامر با تأثیرپذیری از اندیشه‌های هایدگر، به ویژه در تعریف حقیقت، حقیقت را به «آشکار شدگی» (Desclosedness) تعریف نمود، به این معنا قضیه‌ای صادق است که هستی موضوع را نپوشاند و به آن اجازه «آشکار شدگی» بدهد؛ از این رو «حقیقت»، وصف اندیشه‌ها و قضایا نیست بلکه وصف خود اشیاء است زمانی که آشکار می‌شوند. پس هر آشکار شدگی حقیقتی را دربر دارد و حقیقت با هستی پیوند می‌خورد و چیزی است که خود اشیاء را نشان می‌دهد. بنابراین «فهمیدن» ملازم با «حقیقت» است؛ یعنی هر جا واقعه فهم اتفاق افتد «حقیقت» هستی خاص آشکار شده است. گادامر میان فهم صواب و ناصواب فرق نمی‌گذارد، بلکه هر فهمی را حقیقت می‌پندارد؛ زیرا در هر فهم چیزی آشکار شده است (واعظی، ۱۳۸۶). در هرمنوتیک فلسفی گادامر، فهم با حقیقت برابر است؛ چون در هر فهمی موضوع و اثر، خود را برای مفسر آشکار کرده‌اند.

## 2. Fusion of horizons



مشخص شود.<sup>۱</sup> در این دیدگاه استنتاج و برداشت از متن یک فرایند بی‌انتهاست. یعنی وقتی گادامر پیش‌داوری‌ها را در فهم مهم می‌داند دشوار است بدون در نظر گرفتن افق جامعه‌ای نسخه‌ای برای آن جامعه پیچید.

درست است که گادامر عناصر سازنده‌ی فهم را برای همه ثابت می‌داند اما محتوای آن‌ها به نسبت هر جامعه‌ای متفاوت تلقی می‌کند. مثلاً سنت برای همه، جزء عناصر فهم تلقی می‌شود، اما سنت "الف" یک سری پیش‌فرضی‌ها را شکل داده و سنت "ب" پیش‌فرضی‌های دیگری را. در این میان آیا می‌توان بجای دیگران افق‌هایشان را ممزوج کرد و برو نداد آن را به دست آورد؟ در هرمنوتیک فلسفی تصور رخداد فهم بدون تعامل ممکن نیست. تعامل یک عنصر مشخص از عناصر مد نظر گادامر نیست اما به تمامی عناصر - که توضیح آن‌ها خواهد آمد- سایه افکنده و مشاهده می‌شود.

همچنین، "داشته‌های فرد و جامعه" موضوع محوری هرمنوتیک فلسفی است. این داشته‌های فرد در هرمنوتیک فلسفی گاه به پیش‌داشت‌ها و گاه در معنی عام یعنی سنت بکار رفته است؛ در این میان از آنجا که روشنگری، شبیحی منفی و کاملاً مخرب از پیش‌داوری به تصویر کشید، ایده عقل خود بنیاد را در برابر همه آنچه از پیش پذیرفته شده بود، نهاد. اندیشه دکارت متضمن کنار زدن پیش‌داوری‌ها و بازتعریف حقایق بر بنیان عقل بود. این نگاه منفی به پیش‌داوری‌ها از یک سو، و تکیه بر عقل خود بنیاد از سوی دیگر، در قرن هجدهم به اوج خود رسید تا جایی که در قرن بیستم از سوی گئورگ گادامر عملاً به طرح ایده «پیش‌داوری در برابر پیش‌داوری انجامید» (واینسهایمر و همکاران، ۲۰۰۴). چون پیش‌داوری‌ها بر اساس افق‌های فکری صورت می‌گیرند؛ [درست است که] همیشه این پیش‌داوری‌ها درست نیستند اما برای رخداد حقیقت نمی‌توان ابتدا به ساکن عمل نمود؛ داشته‌ها مطرح می‌شود و از سوی افق مقابل

---

<sup>۱</sup> مثلاً گادامر بر این عقیده است که اروپا نمی‌تواند یک مدل تفکر برای جهان ارائه کند زیرا که این اندیشه از سنت اروپایی برخاسته و کارایی لازم برای کل جهان ندارد. فقط می‌تواند مدل اندیشه‌ای را پیشنهاد کنند نه اینکه طی کنواسیونی (مثلاً در یونسکو) آن اندیشه را جهانی تلقی کند (برگرفته از کتاب "از هرمنوتیک متن کهن تا هرمنوتیک رهایی بخش" نوشته دیتر میسگلد).

تعدیل می‌شوند، این فراشد ابزار رخداده فهم است؛ پس در هرمنوتیک فلسفی از مجموعه مفاهیم و عناصری بحث می‌شود که رخداده فهم را ممکن می‌سازد. به اعتقاد گادامر عدم رعایت آن عناصر، مانع رخداده فهم واقعی است. فهمی که تأملی است و در سایه تعامل شکل می‌گیرد. در این میان تربیت تأمل محور نیز با رعایت مجموعه عناصری بر عنصر فهم استوار شود.

البته، اینکه هرمنوتیک چیست و نوع فلسفی آن کدام است در فصول بعدی بدان پرداخته خواهد شد اما به طور اجمال باید گفت که هرمنوتیک، از کلمه یونانی هرمنیوین<sup>۱</sup> به معنای باز کردن و تفسیر مشتق شده و ریشه اصلی آن هرمس است که در اساطیر یونانی اختراع خط را به او نسبت داده‌اند. هرمس پیام‌های اغلب رمزی خدایان را برای پیروان خود تأویل می‌کرد. همچنین هرمنوتیک به معنای خبر دادن و ترجمه کردن و تعبیر کردن، علم یا نظریه تأویل است؛ علمی است که مسئله فهم متون و چگونگی ادراک و فهم و روند آن را بررسی می‌کند. این عنوان از قرن هفدهم کاربرد یافته است، اما تازه در آغاز قرن نوزدهم است که با تلاش فکری فردریک دانیل ارنست شلایرماخر<sup>۲</sup> رواج عمومی می‌یابد. اما بعد از تحولاتی که توسط ماخر صورت گرفت؛ هانس گئورگ گادامر یکی از فیلسوفانی است که سهم بسزایی در تعالی هرمنوتیک داشته است. هرمنوتیک گادامر به هرمنوتیک فلسفی شناخته شده است، زیرا که با مبنا قرار دادن اندیشه تفسیرمحوری و تاریخ‌مندی فهم مبتنی بر دیالکتیک و به دنبال آن عدم تحکم بر مخاطب، گفتمان آزاد و بدون قهر و اجبار و... به (شخص) خواننده‌ی "اثر" این امکان را می‌دهد که با آثار (موضوع) ارتباط برقرار کند و محدود به متن یا اثر نباشد. فکر فلسفی به نحو روشنی در این رویکرد متجلی می‌شود و اندیشه را کمتر گرفتار جمود می‌کند. در مقابل دو نوع دیگر هرمنوتیک - روشی و انتقادی - هرمنوتیک فلسفی به دنبال امکان و شرایط فهم و تأویل «دازاین»<sup>۳</sup> است. در این نوع هرمنوتیک به جای طرح این پرسش که «چگونه می‌شناسیم؟» پرسش اصلی این است که «چگونه فهم

---

1 . Hermeneuein  
2 . Friedrich Daniel Ernst Schleiermacher  
3. Dasein

ممکن می‌شود؟» و یا اینکه «وجه وجودی آن موجودی که فقط به واسطه فهم وجود دارد، چیست؟» (ریکور<sup>۱</sup>، ۱۳۷۸: ۲۶؛ کوزنزهوی، ۱۳۷۱). در اساس، هرمنوتیک فلسفی فرض بنیادین هرمنوتیک روشی را مبنی بر اینکه هرمنوتیک نوعی روش برای رسیدن به فهم است، به پرسش گرفته و خود به دنبال توضیح پدیدارشناختی وجود انسان و نمایان ساختن زمینه هستی‌شناختی فهم است. هایدگر و گادامر چهره‌های مشهور هرمنوتیک فلسفی هستند که گذار هرمنوتیک از معرفت‌شناسی و روش‌شناسی به هستی‌شناسی و پدیدارشناسی فهم را میسر ساختند. این نوع هرمنوتیک وجه ممیزه انسان از سایر موجودات را امکان فهم معنای «هستی» او از سویی تلقی می‌کند و به همین سبب انسان را موجودی هرمنوتیکی می‌خواند.

هرچند گادامر اولین فردی نیست که از فهم سخن به میان می‌آورد ولی نگاه او به فهم، متفاوت از نگاه‌های تجربی مشربان بوده و قدری متمایز از نگاه افرادی است که پیش از او در زمینه هرمنوتیک فعالیت داشته‌اند. گادامر بر خلاف اندیشمندان متقدم، "فهم" را محصولی نمی‌داند که طی گام‌های از پیش تعیین شده محقق می‌شود، چرا که بر این باور است این مسئله با ماهیت انسان و کیفیت فهم او منافات دارد و تاکید دارد بر اینکه ماهیت انسان به گونه‌ای است که مقید کردن او باعث تبدیل او به شیء و اثبات انفعال برای او می‌گردد. توصیف فهم و چگونگی تحقق آن از نگاه گادامر نیازمند تبیین اصطلاحات و عناصر سازنده فهم در اندیشه وی است که در این رساله بدان پرداخته خواهد شد. این نگرش مبنای تعلیم و تربیتی متفاوت خواهد شد، که در آن به فهمی متفاوت تاکید می‌شود. باید دید که آیا مفاهیم و عناصر تشکیل‌دهنده هرمنوتیک فلسفی حاوی ظرفیت‌های برای تحقق این مهم در تعلیم و تربیت است یا خیر؟

## ۲) شرح و بیان مسئله

---

1 . Ricoeur

هدف این رساله بررسی تحلیلی دیدگاه هرمنوتیک فلسفی گادامر و همچنین بررسی ظرفیت‌های این اندیشه برای تعلیم و تربیت می‌باشد. در مقدمه اشاره شده که تربیت چگونه و چرا از حوزه‌های مختلف وام گرفته و تقویت می‌شود؛ و اشاره شد که یکی از این حوزه‌ها، هرمنوتیک فلسفی است؛ حوزه‌ای که "فهم" موضوع محوری آن است، ولی مدعی فهم متفاوت است. باید دید در این رویکرد وقتی انسان در حال فهمیدن است چه تحولی در او ایجاد می‌شود؟ فهم با سوءفهم چه تفاوتی دارد؟ کی فهم رخ می‌دهد؟ فهم چه ظرفیتی در انسان به وجود می‌آورد؟ اگر بپذیریم که فهم و ظرفیت‌هایی که در بستر آن به وجود می‌آید ارزشمند است چه باید کرد؟ آیا همه می‌فهمند؟ همه به یک اندازه می‌فهمند؟ آیا اخلاق و انسانیت و ارزش‌های بومی و دینی در این نوع فهم<sup>۱</sup> دخالت دارد؟ اگر دغدغه ما آن باشد که دانش‌آموختگان نظام تربیتی مان توانایی اندیشیدن داشته باشند و فهم را جزء وجود خود کنند، باید اندیشه‌هایی که به کالبدشکافی فهم می‌پردازند توجه کنیم. هرمنوتیک فلسفی یکی از این رویکردهاست. برخی عقیده دارند که تعلیم و تربیت در جهان امروزه بر مبنای مهار بنا نهاد شده است که مقابل فهم است (باقری، ۱۳۸۰) برخی عقیده دارند که تعلیم و تربیت در جهان امروزه بر مبنای مهار بنا نهاد شده است که مقابل فهم است. این مهار در مواقعی آشکار است و در مواقعی پنهان. وجه آشکار آن در شکل‌های مختلف استبداد و استعمار کهن جلوه گر است و وجه پنهان آن در صورت‌های متفاوت ایدئولوژی‌ها و نظریاتی نمود پیدا می‌کند که انسان را شیء در کنار دیگر اشیاء تلقی می‌نمایند. آیا تعلیم و تربیت در جهتی هست که انسان را به مسیر مهار‌گریزی سوق دهد فهمی که از سوی متوجه رهاندن دانش-آموزان از چنگ عینی‌سازی‌ها حوزه تربیت، و از سوی دیگر، رهایی از خودبینی‌هایی که محصول تربیت سلطه‌جو و سلطه‌پذیری هستند؟

---

<sup>۱</sup>. فهمی که گادامر از آن بحث می‌کند غیر روشمند، و متکی به عناصری مثل سنت، زبان، تاریخ، تعامل و... دارد. که در فصل سه تشریح می‌شوند.